

پرده نقره‌ای

عامه پسند هاهم به اسکار رسیدند!



نماینده صنف تهیه کنندگان و عضو هیات مدیره آکادمی اسکار از تصمیم اخیر این سازمان سینمایی مبنی بر اضافه کردن رشته مناقشه بر انگیز «فیلم عامه پسند» دفاع کرده و گفته این جایزه الکی نیست و به فیلمی اهدا می شود که مردم را سرگرم کرده است. از وقتی آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا از اعمال برخی تغییرات و اصلاحات در رقابت اسکار ۲۰۱۹ خبر داده –از جمله اختصاص یافتن جایزه‌ای به بهترین «فیلم عامه پسند» سال، ادامه روند اهدای جوایز همزمان با پخش آگهی‌های بازگانی تلویزیون و جلوگیری از اختن زمان برگزاری مراسم اسکار ۲۰۲۰– با اعتراض بسیاری از عوامل و اهالی صنعت سرگرمی روبه‌رو شده است. به‌ویژه این خبر که آکادمی جایزه‌ای را به تقدیر از «بهترین فیلم عامه پسند» اختصاص داده، جنجال‌های فراوانی را به دنبال داشته است. برای خیلی‌هاین پرسش مطرح است که آکادمی چه معیاری برای فیلم‌های واجد شرایط رقابت در این رشته در نظر گرفته است. آلبرت برگر نماینده صنف تهیه کنندگان و عضو هیات مدیره آکادمی که به گفته خودش «نقش پررنگی» در تغییر و تحول جوایز اسکار داشته از اصلاحات اخیر دفاع کرده و گفته این موارد «هم‌چنان در دست بررسی است و جای کار دارد.» برگر در گفت و گو با خبرنگار هالیوود ریپورتر توضیح داده: «این اطلاعیه بدون اشاره به کلیه جزئیات منتشر شده و فکر می‌کنم به محض این که افراد کل ماجرا را بشنوند قضیه برای‌شان شکل بسیار منطقی‌تری به خود خواهد گرفت.» برگر در دفاع از اضافه شدن این رشته تأکید کرده است: «از نظر من، مسئله صرف‌محبوبیت نیست، این جایزه جدید بیش‌تر به میزان موفقیت یک فیلم در سرگرم‌ساختن مردم بستگی دارد.»

جمشیدمشایخی:

هرگز قصدی حرم‌تی نداشتم!



در جشن انجمن منتقدان سال گذشته، جمشید مشایخی صحبت‌های تندی در مورد یکی از بازیگران با سابقه مطرح کرد که یاد او عزت‌الله انتظامی بود. پس از انتشار صحبت‌های مشایخی در رسانه‌ها بسیاری از رسانه‌ها گمانه‌هایی را در مورد اختلافات او با عزت‌الله انتظامی منتشر کردند که مشایخی تکذیب کرد. اما پس از درگذشت انتظامی، مشایخی در مصاحبه جدیدی از رفاقت دیرینه خود با مرحوم انتظامی گفته است. جمشید مشایخی و مرحوم عزت‌الله انتظامی از سال‌ها پیش در دهه ۴۰ همکاری‌های مشترک‌شان را در عرصه تئاتر آغاز کردند و در ادامه در بسیاری از ساخته‌های سینمایی مرحوم علی حاتمی، در کنار هم به نقش آفرینی پرداختند. جمشید مشایخی که این روزها در بستر بیماری است، درباره درگذشت عزت‌الله انتظامی گفت: «من تسلیم عرض می‌کنم در گذشت ایشان را که از همکارهای قدیمی من بودند.» این بازیگر پیشکسوت درباره همکاری‌های قدیمی‌اش با مرحوم انتظامی بیان کرد: «ما از سال ۱۳۳۴ که ایشان به اداره هنرهای دراماتیک آمد با هم دوست شدیم. من از بقیه هنرمندان اداره هنرهای دراماتیک که بعدها اسمش عوض شد به‌اداره تئاتر تغییر پیدا کرد، سابقه بیشتری داشتم و در تازار همه آنها به استخدام آنجا درآمده بودم. به همین خاطر همه دوستانم را می‌شناختم.» مشایخی ادامه داد: «رفاقت مادریرینه بود، کارهای زیادی با هم کردیم، ما تعدادمان زیاد نبود، علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، داود رشیدی و من. ما همه‌مان با هم رفیق بودیم.» او درباره حاشیه‌های جشن انجمن منتقدان سال گذشته و صحبت‌هایش که نشان از دلخوری و کدورت با مرحوم انتظامی داشت، گفت: «حالا که شما این مسئله را مطرح کردید، می‌خواهم صدقانه مسئله‌ای را بگویم. من در زندگی‌ام از حسادت و کینه متنفر بودم، اگر هر حرفی در حین عصبانیت گفتم قصد می‌برم‌تی به کسی در جمع نبوده است. من عاشق همه همکارانم و جوان‌های امروز سینما هستم و از روزدارم همه‌مان موفق شوند».

نه راه است این که بگذاری مرا به خاک و بگریزی

دارکوب؛ نبردی زنانه برای رهایی

«دارکوب» می‌خواهد یک فیلم قصه‌گو باشد و قصه مهسا را روایت کند. مهسایی را که باز دواج با یک مرد خوب و موجه، که زندگی خوبی برای او فراهم کرده و حالا هم بچه‌دار شده، معلوم نیست چرا معتاد شده است. و معلوم نیست چرا همسرش، تنها در پی طرداوست و نه درمان او. و در نهایت، فرایند طرد، بارها کردن مهسای معتاد در جاده‌ای بر فی، تکمیل می‌شود در حالی که فرزند مهسا از آغوشش ربوده شد و در نهایت روز به‌او را طلاق می‌دهد در حالی که مهریه‌اش را نمی‌دهد و به‌او می‌گوید که بچه مرده است.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

کارگردان و نویسنده: بهروز شعبی
بازیگران: مهناز افشار / امین حیایی / جمشید هاشم‌پور / سارا بهرامی

داستان چیست؟

مهسا (سارا بهرامی) زن معتادی است که برای نجات دوست باردارش تینا از فروختن نوزادش، دنبال پول است و به همین دلیل سراغ همسر سابقش روزبه می‌رود. اما در این گیرودار، متوجه می‌شود که فرزند خودش باران، زنده است و بهروز به‌او دروغ گفته بود که باران مرده است. مهسا با آگاهی از این موضوع، تلاش می‌کند به نحوی فرزندش را پس بگیرد. اما او یک معتاد است با تمام ویژگی‌های خرافکارانه یک معتاد. حتی از مراجعه به دادگاه و کلاstrی می‌ترسد. نیلوفر همسر دوم روزبه، در ابتدا سعی دارد با نشان دادن مدارک جعلی گلی (باران)، به مهسا و او امتقاعد کند که گلی فرزند او نیست. اما در نهایت مهسا با شرم مادرانه و سپس با اعتراضات روزبه، متوجه می‌شود که این دختر بچه، همان باران است. نیلوفر که از ابتدای ازدواجش و نوزادی گلی، برای او مادری کرده، ابتدا با عصبیت و نگرانی و ترس با مهسا روبه‌رو می‌شود، اما در نهایت با آرامش و همدلی و درک در این مسیر پیش می‌رود که مهسا را راضی به ترک اعتیاد کند. در آن

یادداشت

اعتیاد پدیده‌ای مردانه یا زنانه؟



فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

فیلم «دارکوب» یک فیلم اجتماعی است؛ «دارکوب» سئوژه‌های تلخ جامعه همچون اعتیاد زنان، فقر فرهنگی و نیز نقش مردان در نادیده گرفتن زنان آسیب‌دیده به عنوان مادر و مادرانگی‌شان را به تصویر کشانده است که اصلی‌ترین و مهمترین موضوع روشن این فیلم «اعتیاد زنان» است؛ داستان فیلم «دارکوب» ماجرای مادری است که بدلیل اعتیاد شدیدی که به شیشه داشت، فرزند و خانواده خود را که درو با خیال آنکه سبب مرگ فرزندش شده است، به مدت شش سال خود را گم و گور کرد و ناپدید شد. حال باتوجه به اتفاقاتی که در خلال داستان رخ می‌دهد به یکبار تصمیم به بازگشت می‌گیرد؛ می‌خواهد ترک کند و به زندگی عادی‌اش باز گردد و هرآنچه را که از دست داده را دوباره ببیند و آنها را از نوبسازد. سئوژنِ فیلم «دارکوب» بسیار

است که زنان آسیب‌دیده و رهاشده، به آن پناه آورده‌اند تا با ادامه رفتارهای آسیب‌زا، به زندگی فلاکت‌بار خود ادامه دهند. در خانه مامان، فاجعه و درد و مصیبت، بر فضا حاکم است. کسی قرار نیست به داد کسی برسد یا مشکل کسی را حل کند. رابطه تینا و مهسا، که به خاطر نجات نوزاد تینا از فروخته شدن، به هم نزدیک شده‌اند، نشان می‌دهد که در نهایت، آسیب و بزه، نه دوستی می‌شناسد و نه تعهد. همه تا جایی هستند که منافع آنی و شخصی‌شان، اقتضا کند. اما برای نشان دادن خانه مامان و مشکلاتش، همان مهسا و تینا، کافی بودند. ریختن آن هم‌زن آسیب‌دیده و نوک‌زدن به داستان هر کدام از آن‌ها، که می‌تواند داستان یک فیلم اجتماعی دیگر باشد، بیشتر باعث شلوغی‌وسر درگمی تماشاچی می‌شود؛ سر درگمی آن‌هم در فیلمی که نهایت‌سعی‌اش این است که روایت خطی خود را حفظ کند و از آن خارج نشود. و این روایت خطی ساده البته، از همان ابتدا، تکلیف تماشاگر را روشن می‌کند.

کاش کمی خلوت بود!

شعبی حرف برای گفتن دارد؛ چون جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم اساساً حرف‌های ناگفته بسیاری دارد. حرف‌هایی که در بطن جامعه، به‌روش‌ها و شکل‌های خاصی، نه فقط شنیده که زندگی و تجربه می‌شوند. شاید به همین دلیل است که لوکیشن‌های شعبی، بیشتر واقعی‌اند و نه استودیویی. و در ست با رفتن به دل جامعه و استفاده از همین لوکیشن‌های واقعی است که فیلم تنه‌به‌تنه نوعی ثئورالایسم می‌زند. شعبی دغدغه نشان دادن شکل و شمایل زندگی واقعی این آدم‌های آسیب‌دیده را دارد در ست در متن زندگی واقعی‌شان؛ در همان کوچه‌ها خیابان‌ها، در همان خانه‌ها، در همان محله‌های حاشیه‌شهر و در میان همان مردم عادی که نابازیرگان و سیاهی‌لشکرهای فیلم‌وهستند. اما همین دو عنصر، یعنی استفاده از نابازیرگان فراوان و لوکیشن واقعی، باعث پرجمعیت و نیز پر مشکل شدن فیلم می‌شود؛ اعتیاد، فروش بچه، فقر، خودکشی، خودفروشی، ندرتی و... همه این‌ها در فیلم حضور دارند با آدم‌های خاص خودشان. این، گیج و سر درگم کننده است. در ست است، همه این مشکلات می‌توانند در کنار اعتیاد حضور داشته باشند. اما «دارکوب» یک فیلم است بازمان محدود که ناچار است فقط به یکی از داستان‌ها اکتفا کند. که نمی‌کند.

امابعد

مهسا، مادر معتادی است با دارایی و شاید ثروتی بالقوه، که از سوی نزدیکانش، رها شده است. روی

این زن معتاد، از نگاه روز به لیاقت مادری و حتی لیاقت دریافت مهریه‌اش را ندارد چون آن را دود می‌کند. مهسا از نظر برادرش هم لیاقت دریافت ارثیه را ندارد، چون آن را دود می‌کند. مهسا کلارها شده است

فیلم‌های ایرانی، اجتماعی‌اند؛ برادر پی‌بازنمایی و بیان مسائل و معضلات اجتماعی هستند. «دارکوب» هم از این قاعده مستثنی نیست و تلاش می‌کند با نگاهی دقیق و حساس، به زندگی زنان رهاشده اجتماعش، سرک بکشد. هرچه محو اصلی داستان دارکوب مهسا است، کار این آدم همین است. اما مهسا و تینا تلاش می‌کنند بچه را نگه دارند و دنبال پول‌اند تا به خریدار بچه پس بدهند. پول را هم مهسا از روزبه می‌گیرد، اما شش‌وهر تینا پول را بالا می‌کشد و قرار می‌کند. یک «خانه مامان» هم هست پر از زن‌های آسیب‌دیده و رهاشده. خوب معلوم شد که فیلم کمی شلغو و پر داستان است.

روایت‌مازدارکوب

سینمای اجتماعی، ژانر محسوب نمی‌شود و هر فیلمی که بخواهد در باره مسائل اجتماعی حرف بزند، اجتماعی است. این فیلم می‌تواند مستند یا درام باشد. با توجه به این توصیف، اغلب

بی‌شماری دارد و آسیب‌های بسیار جدی و مهلکی را بر پیکر خانواده‌ها و جامعه وارد می‌کند. بر اساس گزارش‌های بدست در حوزه اعتیاد، واقعیت این است که امروزه اعتیاد در میان برخی زنان جامعه (هرچند تعداد اندک) وجود دارد و برخی خانواده‌ها با این معضل دست و پنجه نرم می‌کنند. اگرچه تعداد مردان معتاد از زنان معتاد بیشتر است اما روند رو به رشد اعتیاد زنان در سال‌های اخیر بسیار نگران کننده بوده است. از آنجایی که بی‌شک زنان و مادران نقش تعیین‌کننده‌تری در تربیت و نقش‌پذیری فرزندان دارند پس به‌راخور جایگاه و بزه و تأثیر گزارش بر بنیان خانواده، اعتیادشان احتمالاً تأثیر عمیق‌تری بر جامعه‌ای که نسل آینده، آن را اداره خواهد کرد می‌گذارد و لذا توجه زیادی را می‌طلبد، چرا که اعتیاد زنان با نقش‌آشنای همسر و مادری مهربان و دلسوز در جامعه ایرانی همخوانی ندارد. در روانشناسان بر اساس تحقیقات گسترده در حوزه اعتیاد زنان اظهار داشتند که زنان مصرف‌کننده در جامعه برخلاف مردان معتاد براحتی از کانون گرم خانواده و دوستانشان طرد می‌شوند و باتوجه به مشکلات هزینه و درآمد و عدم شغل، از آنجایی که ناچار به تهیه مواد مخدر هستند مجبورند به کارهای ضد اخلاقی تن دهند و بر این اساس براحتی مورد سوء استفاده سودجویان قرار گیرند که مسلمان همین امر سبب‌ساز تخریب آنان می‌شود و آسیب‌های روحی، روانی و جسمانی